



سال پنجم، شماره ۳، پیاپی ۱۶ پاییز ۱۴۰۱

www.qpjjournal.ir

ISSN : 2783-4166

بررسی شاخص‌های محتوایی و صوری ادبیات غنایی در غزلی از حسین منزوی

خدا بخش اسداللهی^۱، حسین قاسمی‌زاده^۲، سایه صلاح‌زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۶/۲۳

(از ص ۴۸ تا ۶۱)

نوع مقاله: پژوهشی

 [20.1001.1.27834166.1401.5.3.3.7](https://doi.org/10.27834166.1401.5.3.3.7)

چکیده

ادبیات غنایی بیان عواطف و احساسات شخصی شاعر است. احساس و عاطفه از مهم‌ترین ویژگی‌های ادبیات غنایی هستند که این نوع را از سایر انواع ادبی جدا می‌سازند و هر اندازه، احساس و عاطفه شعری شاعر، نرم‌تر و لطیف‌تر باشد، قدرت تأثیر کلام او به مراتب بیشتر خواهد بود. آشکارترین نوع شعر غنایی در ادبیات فارسی، غزل است که شاعران گذشته و معاصر در آن، طبع آزمایی کرده‌اند و آثار درخشانی بر جای گذاشته‌اند. یکی از شاعران مشهور غزل‌سرای معاصر، حسین منزوی است که غزلیات او با استقبال اهل شعر و ادب روبرو شده است؛ از این‌رو، این پژوهش بر آن است تا با بهره‌گیری از روش مطالعه کتابخانه‌ای و به صورت تحلیلی-توصیفی، غزلی از حسین منزوی را براساس شاخص‌های محتوایی و صوری ادبیات غنایی مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. حاصل مطالعات بیانگر این است که احساسی و عاطفی بودن، عاشقانه و عارفانه بودن، وصفی بودن، پاسخگویی به احساسات و نیازها، داشتن فضای غم‌آلود و تمرکز بر روی شخصیت اصلی، از مهم‌ترین خصوصیات محتوایی غزل منزوی هستند. هم‌چنین، ویژگی‌هایی چون لطافت و نرمی زبان، استعارات و تشبیهات نرم و لطیف، کلمات و عناصر متناسب با فضای غنایی، زیادی مصوت‌ها و صامت‌های «س و ش»، زیادی واژه «من»، وجود ردیف، التزام، وزن نرم و کشیده، شخصیت‌بخشی به عناصر انتزاعی و برخی ترکیبات خاص غنایی دیگر، از جمله ویژگی‌های صوری زل منزوی هستند. حاصل سخن آنکه، غزل مورد مطالعه، یکی از بهترین غزل‌های حسین منزوی است که از لحاظ محتوا و صورت، شاخص‌های ادبیات غنایی را داراست.

کلیدواژه‌ها: ادبیات غنایی، حسین منزوی، صورت، محتوا، غزل.

۱. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. // kh.asadollahi50@gmail.com

۲. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، گرایش محض، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول) // Hosseinqasemizadeh1373@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پارس‌آباد (مغان)، پارس‌آباد، ایران. // sslzd531@gmail.com

۱- مقدمه

هر یک از انواع ادبی، خصوصیات محتوایی و صوری مخصوص به خود را دارند که وجه تمایز آنها از دیگر انواع ادبی است و ادبیات غنایی نیز از این قاعده، مستثنی نیست. شاخص‌های محتوایی ادبیات غنایی عبارت‌اند از: «احساسی و عاطفی بودن؛ عاشقانه و عارفانه بودن؛ فضای غم‌آلود داشتن؛ وصفی بودن؛ درون‌گرایی و ...» (مشتاق مهر و بافکر، ۱۳۹۵: ۱۸۴) و شاخص‌های صوری ادبیات غنایی عبارت‌اند از: «لطافت و نرمی زبان و بیان؛ تراحم صور خیال؛ به کارگیری کلمات، عناصر، ترکیبات، تعبیرات و تصاویر نرم و متناسب با فضای غنایی؛ غنای موسیقی؛ استعارات، تشبیهات و کنایات نرم و لطیف غنایی؛ بالا بودن بسامد مصوت‌ها، عناصر انتزاعی، گروه‌های اسمی، جملات سؤالی بدون درخواست جواب و ...» (همان: ۱۸۴). آشنایی با این شاخص‌ها محتوایی و صوری ادبیات غنایی باعث سبب می‌شود که محقق درک درستی از محدوده این نوع ادبیات به دست آورد و در انجام پژوهش‌ها دچار سردرگمی نشود. هم‌چنین، مشخص کردن شاخصه‌های محتوایی و صوری ادبیات غنایی سبب سنجش و ارزیابی دقیق متون ادبی می‌شود. یکی از غزلسرایان برجسته معاصر که غزل او از لحاظ صورت و محتوا حائز اهمیت است، حسین منزوی است که غزلی از او مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱- روش تحقیق

این پژوهش بر آن است تا بهره‌گیری از روش مطالعه کتابخانه‌ای و به صورت تحلیلی-توصیفی، غزلی از حسین منزوی را از لحاظ محتوایی و صوری مورد مطالعه و بررسی قرار دهد تا مشخص شود غزل او از لحاظ صورت و محتوا چه ویژگی‌هایی از شاخص‌های ادبیات غنایی را دارد.

۱-۲- پرسش‌های پژوهش

- غزل حسین منزوی از لحاظ صورت چه ویژگی‌هایی از مولفه‌های ادبیات غنایی را دارد؟
- غزل حسین منزوی از لحاظ محتوا چه ویژگی‌هایی از مولفه‌های ادبیات غنایی را دارد؟

۱-۳- فرضیه‌های پژوهش

- به نظر می‌رسد که غزل منزوی، از لحاظ صورت، ویژگی‌هایی چون لطافت و نرمی زبان، استعارات و تشبیهات نرم و لطیف، کلمات و عناصر متناسب با فضای غنایی داشته باشد.
- به نظر می‌رسد که غزل منزوی، از لحاظ محتوا، ویژگی‌هایی چون احساسی و عاطفی بودن، عاشقانه و عارفانه بودن، وصفی بودن، پاسخگویی به احساسات و نیازها و ... را داشته باشد.



۴-۱- پیشینه‌ی پژوهش

در زمینه‌ی طبقه‌بندی و بررسی انواع ادبی در زبان فارسی و به خصوص بحث در مورد ادبیات غنایی، می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: «انواع ادبی» سیروس شمیسا، «انواع ادبی» حسین رزمجو، «انواع ادبی و شعر فارسی» محمدرضاشفیعی کدکنی، «نظریه‌ی ادبیات» رنه ولک و اوستین وارن، «شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب» عبدالحسین زرین‌کوب و «منظومه‌های غنایی ایران» از لطفعلی صورتگر و «مقایسه‌ی زبان حماسی و غنایی» از زهرا پارساپور. همچنین در این زمینه می‌توان به مقاله‌ی «ادبیات غنایی و جلوه‌های آن در ایران پیش از اسلام» از غلامرضا پیروز (۱۳۸۱) اشاره کرد.

در رابطه با فرم و محتوای اشعار حسین منزوی، مقاله‌های «کارکرد عاطفه‌ی حسرت در محتوا و فرم غزل حسین منزوی» از فاطمه کلاهچیان و مهدیه میرزایی (۱۳۹۳) در پژوهشنامه ادب غنایی، «تحلیل محتوای اشعار حسین منزوی» از رضا بیات (۱۳۹۵) در مجله سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، «بررسی زبان، نوآوری‌ها و محتوای غزل حسین منزوی؛ چرا منزوی دیگر در انزوا نیست؟» از علی محمد محمودی و اسحاق طغیانی (۱۳۹۷) در سیزدهمین گردهمایی بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی ثبت شده‌اند. همچنین، پایان‌نامه‌های «نقد و تحلیل درون‌مایه‌ی اشعار حسین منزوی» از محمد علی اکبری (۱۳۸۹) و «تحلیل مضمونی و محتوایی غزلیات حسین منزوی» از علی سلطان‌زاده (۱۳۸۸) در رابطه با محتوای اشعار حسین منزوی نگارش یافته‌اند.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- ادبیات غنایی

غنا در لغت به معنی سرود، نغمه و آواز خوش طرب‌انگیز است و شعر غنایی به شعری گفته می‌شود که گزارشگر عواطف و احساسات شخصی شاعر باشد (معین، ۱۳۸۶، ذیل واژه غنا). کلمه "غنا" در لغت به معنای سرود و نغمه و آواز خوش طرب‌انگیز است. ادب غنایی ترجمه‌ی لیریک (Lyric) فرانسوی یا «لیری پوئتری» است و لیر نوعی چنگ یا ساز بوده که در یونان باستان، اشعار کوتاهی را با آن می‌خواندند (خان‌محمودی، ۱۳۹۴: ۸۷). می‌توان ژانر غنایی را آن نوع ادبی دانست که در آن، نخستین هدف شاعر، بیان عواطف درونی در صورت بیانی زیبا باشد. دایره‌ی این عواطف، گسترده و متنوع است؛ از احساسات عاشقانه و تغزلی گرفته تا عواطف اندوهگینانه، هم‌دردانه، خشمگینانه، طرب‌انگیز، تمسخرآمیز و همه‌ی احساسات فردی و اجتماعی دیگر (زرقانی و قربان صباغ، ۱۳۹۰: ۱۰۹). ویلهلم شلگل^۱ شعر غنایی را بیان موسیقی هیجان در زبان تعریف می‌کند (همان). البته در کنار شعر غنایی که عشق و دلدادگی در اشکال مجازی و حقیقی آن و دیگر عواطف انسانی که جنبه‌ی غنایی دارند و صحبت از من شخصی انسان‌هاست، آثار منشور، قصه‌ها، داستان‌ها، حکایات و شرح رویدادهای فراوانی وجود دارد

^۱ Schlegel . Wilhelm

که موضوع آن‌ها عشق و عاشقی است (رزمجو، ۱۳۹۰: ۲۴۷). به طور کلی می‌توان گفت که اولین بشری که بر سطح کره زمین شعر گفته است، برای تهذیب و تربیت یا بیان حادثه‌ی تاریخی نبوده است، بلکه عواطف و احساسات خود را بیان کرده است. روح او از احساسی لبریز شده است و آنچه را که نتوانسته است ضبط کند و از درون او بیرون جسته است، شعر نامیده می‌شود (دشتی، ۱۳۸۳: ۴۴).

۲-۲- زندگی‌نامه حسین منزوی

حسین منزوی فرزند محمد منزوی شاعر زنجان است که در اول مهر ماه سال ۱۳۲۵ در شهر زنجان به دنیا آمد و به خاطر اینکه با شروع پاییز زاده شده بود، خود را همزاد پاییز می‌نامید. وی علاوه بر اینکه در سرودن شعر کلاسیک شاعری قوی بود، در زمانی که شعر نو در ایران گناه محسوب می‌شد، از طرفداران سرسخت شعر نو و نیمایی به شمار می‌رفت. او در طی فعالیت‌های علمی و ادبی خود، مدیر صفحه شعر مجله رودکی و سروش بود و برای مجله‌ی تماشا مقاله می‌نوشت. منزوی چنانکه از اشعارش برمی‌آید، همیشه عاشق بوده است و عشق، قوی‌ترین عنصری است که محرک و عامل اصلی سرودن اغلب اشعار او می‌شد. هرگاه که فترتی در جریان عشق او پیدا می‌شد، تاثیر مستقیمی بر شعرش می‌گذاشت. وی بیشتر در قالب‌هایی چون نیمایی، سپید، چهارپاره، مثنوی، دوبیتی، غزل و ... طبع آزمایی کرده است، اما شهرت شاعری او در غزل است. بی‌شک، منزوی از بزرگترین و تاثیرگذارترین غزل‌پردازان معاصر است (قربانی، ۱۳۸۶: ۳۷). او یکی از شاعران مستعد و اخلاق‌گرای معاصر است که با سبکی هنرمندانه جامعه را به پایبندی به اخلاق اجتماعی دعوت می‌کند. وی به مفاهیمی چون: ظلم و ستم، آزادی، حقوق مردم و عدالت توجه خاصی دارد و بی‌شک، اشعار اجتماعی او از بهترین غزل‌های اجتماعی دوران معاصر به حساب می‌آید (رمضانی، ۱۳۸۳: ۹۷). کتاب‌های شعری منزوی عبارتند از: حنجره زخمی تغزل (۱۳۵۰)، صفرخان (۱۳۵۸)، ترجمه منظوم حیدر بابا (۱۳۶۹)، با عشق در حوالی فاجعه (۱۳۷۱)، از شوکران و شکر (۱۳۷۳)، با سیلوش از آتش (۱۳۷۴)، از ترمه و تغزل (۱۳۷۶)، از کهربا و کافور (۱۳۷۷)، با عشق تاب می‌آورم (۱۳۷۷)، به همین سادگی (۱۳۷۹)، از خاموشی‌ها و فراموشی‌ها (۱۳۸۱) (رمضانی، ۱۳۸۳: ۹۸). وی سرانجام در روز شانزدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۳ در بیمارستان شهید رجایی تهران درگذشت (رضایی و زینلی، ۱۳۹۳: ۷۶۸).

۲-۳- غزل حسین منزوی

گوارای من آه! ای شعر ناب من! سلام ای عشق	به جام شوکران من، شراب من! سلام، ای عشق
زمین خاکی‌ام، گرد سرت می‌گردم و هست	سلام ای زندگی‌بخش آفتاب من! سلام ای عشق
در عرفان زیبایی، به روی من، تو وا کردی	سلام، ای معرفت را فتح باب من! سلام ای عشق
دو فصل گمشده، پیدا شد آخر با تو، زین دفتر	تو ای آغاز و انجام کتاب من، سلام، ای عشق



ز آفاق پر از آشوب خواب من، سلام، ای عشق
رقم بر صفحه شب زد، شهاب من سلام ای عشق
تو ای رمز بزرگ انتخاب من، سلام، ای عشق
سلام آه ای شعور شعر ناب من سلام ای عشق
سلام ای راستین بی نقاب من سلام ای عشق
گل نیلوفر باغ سراب من سلام ای عشق
تو دادی با سلام خود جواب من، سلام، ای عشق
سلام ای شط شیرین شتاب من سلام ای عشق
(منزوی، ۱۳۸۷: ۳۲۶-۳۲۳)

سلام، ای خطر زده، کابوس‌هایم را، طلوع تو
به هنگام غروب خویش هم، با آخرین خطش
به دور افکنده‌ام، غم و شادی‌های کوچک را
تو عقل سرخ را، با واژه‌هایم آشتی دادی
حقیقت با تو از آرایه و پیرایه، عریان شد
درو، ای آبی بودایی! ای تمثیل زیبایی
«چرا هستم؟» سوال بی جوابم بود از هستی
اگرچه با تو، دور زندگی تند است، اما، باز

۲-۴- شاخصه‌های محتوایی غزل حسین منزوی

۲-۴-۱- احساسی و عاطفی بودن

احساس و عاطفه از مهم‌ترین مؤلفه‌های شعر غنایی هستند. دکتر شفیعی کدکنی معتقد است که شعر غنایی، سخن گفتن از احساسات شخصی است، به شرط آنکه از دو کلمه «احساس» و «شخصی» وسیع‌ترین مفاهیم آنها را در نظر بگیریم؛ یعنی تمام انواع احساسات: از نرم‌ترین تا درشت‌ترین آنها با همه واقعیاتی که وجود دارد و احساس شخصی بودن بدان معنا که شاعر فردی است از اجتماع که روح او نیز در برابر بسیاری از مسائل با تمام جامعه اشتراک موضع دارد (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۱۱۲). میان شعر، عاطفه و احساس، نسبت مستقیمی وجود دارد؛ هر اندازه که عواطف و احساسات شاعر عمیق‌تر باشد، سخن او نافذتر و دلنشین‌تر خواهد بود و فقدان احساسات از غنایی بودن متن ادبی می‌کاهد (مشتاق‌مهر و بافکر، ۱۳۹۵: ۱۸۷). غزل حسین منزوی سرشار از عواطف و احساسات است؛ چراکه او هیجانات درونی خویش را که جوششی‌اند، بیان می‌کند. نگاهی گذرا به غزل منزوی سبب می‌شود تا خواننده، فضای عاطفی موجود را دریابد. در این غزل، منزوی احساسی را که نسبت به عشق و برداشتی را که از آن دارد، بیان می‌کند. به طور کلی، می‌توان گفت که در این غزل، عشق با عاطفه و احساس عجین شده است و خواننده چیزی جز عواطف و احساسات نمی‌یابد.

۲-۴-۲- عاشقانه و عارفانه بودن

اشعار عاشقانه، نمونه‌ای از ادب غنایی هستند. آنچه نخستین گویندگان از آغاز شعر فارسی تا به امروز در ادب غنایی گفته‌اند در سه محور خلاصه می‌شود: اول آنچه مستقیماً به نفس عشق مربوط می‌شود، دوم آنچه مربوط به عاشق و حالات اوست و سوم، آنچه در مورد معشوق و توصیفات اوست (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۲۲۸-۲۱۷). برای سخن گفتن از

این موارد، قالب غزل، معمول‌ترین و بهترین قالب است و غزلیات فارسی در معمول‌ترین حالت خود به غزلیات عاشقانه و عارفانه تقسیم می‌شوند (رزمجو، ۱۳۹۰: ۴۵).

غزل مورد مطالعه از حسین منزوی، مربوط به نفس عشق است. منزوی در این غزل با عاشق و معشوق سخنی ندارد، بلکه روی سخن او با عشق است و این موضوع یکی از مهم‌ترین برجستگی‌های غزل اوست؛ چرا که هم می‌توان غزل او را عاشقانه و هم عارفانه در نظر گرفت و خواننده با توجه به مقتضیات حال و شرایط می‌تواند غزل را معنا کند.

در عرفان زیبایی، به روی من، تو وا کردی سلام، ای معرفت را فتح باب من! سلام ای عشق

برداشت از این بیت، می‌تواند هم عاشقانه و هم عارفانه باشد؛ چراکه بحث از معرفت و شناخت است و عاشق و عارف هر دو به شناخت می‌رسند. حاصل سخن آنکه، به دور از برداشت عاشقانه یا عارفانه داشتن، این غزل، یکی دیگر از مؤلفه‌های ادبیات غنایی را داراست.

۳-۴-۲- وصفی بودن

وصف از جمله مسائل مهم در اشعار غنایی است که همیشه همراه تم اصلی شعر غنایی به چشم می‌خورد، به نحوی که می‌توان شعر غنایی را شعر وصفی هم نامید (شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۳۹). در سرودن اشعار وصفی، شاعر گاه از طریق مشاهده عینی وصف می‌کند و گاه به یاری نیروی تخیل بر بام عالم معنی برمی‌آید.

در غزل منزوی، توصیف‌ها به مدد نیروی تخیل صورت گرفته‌اند. در این غزل، منزوی هدف وصف کردن عشق را دنبال می‌کند و اوصافی چون: گوارای من، شعر ناب، جام شوکران، شراب، زندگی‌بخش، آفتاب، فتح باب معرفت، آغاز و انجام، از بین برنده کابوس‌ها، شهاب، رمز بزرگ انتخاب، شعور شعر ناب، راستین و بی‌نقاب، آبی بودایی، تمثیل زیبایی، گل نیلوفر باغ سراب، شط شیرین شتاب و ... را برای عشق نسبت داده است. با توجه به غزل منزوی می‌توان گفت که سرتاسر غزل او، وصف عشق است و در این توصیفات، عناصر طبیعت نقش چشمگیری دارند، اما «شاعر غنایی سر آن ندارد که بی‌اعتنا به احساس و عواطف انسانی، طبیعت را چونان طبیعت وصف کند. عنصر طبیعی در غزل، رنگ عاطفی به خود می‌گیرد و تصویر ذهنی و عاطفی طبیعت» (عبادیان، ۱۳۸۴: ۱۲۴) مخصوص شاعران غزل‌سراست.

زمین خاکی‌ام، گرد سرت می‌گردم و هست سلام ای زندگی‌بخش آفتاب من! سلام ای عشق

در بیت فوق، زمین و آفتاب که از عناصر طبیعت هستند، رنگ عاطفی به خود گرفته‌اند؛ شاعر خود را زمین خاکی می‌داند که به گرد سر عشق می‌گردد و عشق را آفتاب زندگی‌بخش می‌پندارد. پس، عناصر موجود در غزل منزوی، رنگ عاطفی دارند و غزل او سراسر، وصف عشق است.



۴-۲- پاسخ فوری و احساسی به نیازها

وجه تمایز حماسه و غنا از حیث بیان تجارب زندگی این است که غنا در تمام انواعش پاسخی سریع و احساسی به احتیاجات و رویدادهای زندگی است (مشتاق‌مهر و بافکر، ۱۳۹۵: ۱۸۹). درون‌مایه اصلی غزل منزوی، عشق است و این غزل می‌تواند پاسخی باشد به سوال احتمالی برخی از انسان‌ها که: «عشق چیست؟». این غزل پاسخی سریع و احساسی به یک نیاز و رویداد زندگی عادی است؛ پاسخ‌دهنده نیز حسین منزوی است که براساس دیدگاه خود به عشق می‌نگرد و پاسخ احساسی خود را صادر می‌کند. منزوی در بیت زیر، پرسشی مطرح می‌کند که شاید پرسش افراد دیگری نیز باشد؛ «چرا هستم؟» و در ادامه، پاسخ خویش را می‌یابد؛ بنابراین غزل منزوی پاسخ احساسی به پرسشی در مورد عشق است و از این مؤلفه (پاسخ فوری و احساسی به نیازها) نیز برخوردار است.

«چرا هستم؟» سوال بی‌جوابم بود از هستی تو دادی با سلام خود جواب من، سلام، ای عشق

۴-۲- فضای غم‌آلود داشتن

در بیشتر آثار غنایی فارسی، حس غم بر شوق و شادی غلبه دارد که لازمه فضای غم‌آلود غنایی است (شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۲۵). اما گاه در برخی از غزلیات، غم و اندوه و سودای عشق در پس‌هاله‌ای از شور و شوق وصل پنهان شده‌است (مشتاق‌مهر و بافکر، ۱۳۹۵: ۱۹۰). غزل حسین منزوی از غزلیاتی است که غم و اندوه در پس‌هاله‌ای از شور و شوق وصل پنهان شده‌است.

دو فصل گمشده، پیدا شد آخر با تو، زین دفتر تو ای آغاز و انجام کتاب من، سلام، ای عشق

در ظاهر بیت فوق، فضای شادی بر بیت حاکم است؛ شاعر، عشق را سلام می‌دهد و معتقد است که گمشده با عشق، پیدا شده است و این، یعنی وصال. اما در پس‌پرده، غم و اندوهی وجود داشته که وصال آن را پوشانده است و آن غم و اندوه، به خاطر گمشده‌ای است که شاعر قبل از وصال در هجران وی به سر می‌برده است و اکنون که آن را یافته است، اشتیاق دارد.

۴-۲- تمرکز بر روی شخصیت اصلی

در توصیف هنری یک اثر غنایی، توجه و تمرکز شاعر بر روی شخصیت اصلی است و شاعر با استفاده از تشبیه و استعاره و ... به وی می‌پردازد (پارساپور، ۱۳۸۳: ۷۵). شخصیت نیز شبه‌شخصیتی است تقلیده شده از اجتماع که بینش مجازی شاعر به آن فردیت و تشخص بخشیده‌است (براهنی، ۱۳۹۵: ۲۴۹). در غزل منزوی، شخصیت واحدی

بر تمام فضا سایه انداخته‌است و آن عشق است که البته شخصیتی حقیقی نیست. شاعر از ابتدای غزل تا انتهای آن به وصف عشق می‌پردازد و عشق را یگانه شخصیتی می‌داند که باید به توصیف آن بپردازد. علاوه بر موارد ذکر شده، باید گفت که غزل منزوی، درونگرا و تخیلی است و براساس ذاتی که شعر غنایی دارد، نمایشی است و خبری از روایت نیست.

۵-۲- شاخص‌های صوری غزل حسین منزوی

۵-۲-۱- لطافت و نرمی زبان

رابطه تنگاتنگ فرم با محتوا انکارناپذیر است. در ادب غنایی به کوتاهی سخن، نرمی و لطافت کلام، رقت و باریکی معنا و مضامین توجه می‌شود تا بتواند در بیان عواطف و شوق‌های عاشقانه به کار رود (مشتاق‌مهر و بافکر، ۱۳۹۵: ۱۹۲). در غزل منزوی با کلامی کوتاه، لطیف و معانی باریک روبرو هستیم. جملات این غزل روان‌تر و موسیقی کلام دلنشین‌تر است.

گوارای من آه! ای شعر ناب من! سلام ای عشق به جام شوکران من، شراب من! سلام، ای عشق

بیت فوق، زبانی آهنگین دارد و کلمات از لحاظ آوایی و معنایی در ارتباط با یکدیگر قرار دارند؛ از لحاظ آوایی، کلمات «شعر، عشق، شراب و شوکران» و از لحاظ معنایی، کلمات (گوارا، جام، شوکران و شراب) در ارتباط‌اند.

۵-۲-۲- استعارات و تشبیهات نرم و لطیف غنایی

هر یک از انواع ادبی، استعارات و تشبیهات مخصوص به خود را دارند و استعارات و تشبیهات شعر غنایی، لطیف و نرم هستند. در تمام ابیات غزل منزوی، استعاره مکنیه وجود دارد و استعاره مکنیه، استعاره‌ای است که تشبیه در دل گوینده پنهان باشد و مشبه را ذکر کرده، مشبه‌به را در لفظ نیاورند، اما از لوازم آن در لفظ بیاورند (همایی، ۱۳۸۳: ۲۸۲). در تمام ابیات غزل، عشق مورد خطاب قرار گرفته است و تشخیص وجود دارد. علاوه بر استعاره، تشبیهات مضمّر لطیفی نیز در بسیاری از ابیات این غزل به چشم می‌خورد و تشبیه مضمّر، آن است که سخنور تشبیهی در سخن خود آورده باشد، اما ساخت تشبیه، آشکارا در سخن به کار نرفته باشد (کزازی، ۱۳۹۱: ۷۶).

اگرچه با تو، دور زندگی تند است، اما، باز سلام ای شط شیرین شتاب من سلام ای عشق



در بیت فوق، عشق مورد خطاب قرار گرفته است و استعارهٔ مکنیه وجود دارد و عشق به شط شیرین شتاب من شبیه شده است و تشبیه مضمر وجود دارد. علاوه بر این، تشبیهاتی که در این شعر غنایی وجود دارند، نرم و لطیف هستند؛ تشبیه عشق به آبی بودایی، گل نیلوفر، رمز بزرگ، آفتاب و

۳-۵-۲- وجود کلمات و عناصر لطیف و متناسب با فضای غنایی

هر یک از انواع ادبی، کلمات، الفاظ و اصطلاحات مخصوص به خود را دارند که در دیگر انواع ادبیات یا وجود ندارند یا بسامدشان کم است. گاهی نیز کلمه‌ای در یک نوع ادبی، یک نوع معنی خاص و در نوع دیگر، معنای دیگری دارد. در غزل منزوی نیز کلمات و ترکیباتی نظیر: جام، شراب عرفان، معرفت، رمز، عقل، حقیقت، تمثیل، گل نیلوفر، سراب، باغ و ... جزئی از واژگان ادبیات غنایی هستند.

۴-۵-۲- غنای موسیقی قافیه

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ادبیات غنایی، غنای موسیقی قافیه است؛ چراکه «قافیه در شعر غنایی بیشتر به شکل سجع متوازی است و سجع متوازی آهنگین‌تر از سجع مطرّف است» (مشتاق‌مهر و باوفا، ۱۳۹۵: ۱۹۶). قافیه در لغت به معنی از پی رونده و در اصطلاح مجموعه‌ای از چند صامت و متحرک است که در آخرین کلمهٔ مصراع‌ها و یا ابیات تکرار می‌شوند، به شرطی که به یک لفظ و معنا نباشند (ماهیار، ۱۳۹۰: ۲۷۱). قافیه، علاوه بر شعر سنتی، در شعر نو نیز اهمیت خود را حفظ کرده است، چنانکه نیما در مورد ارزشمندی قافیه می‌گوید: «شعر بی‌قافیه مثل آدم بی‌استخوان است. هنر شاعری در قافیه‌سازی است و قافیه مال مطلب است، زنگ مطلب است.» (طاهباز، ۱۳۶۸: ۱۰۳)

کلمات قافیه در غزل منزوی عبارتند از: ناب، شراب، آفتاب، باب، کتاب، خواب، شهاب، انتخاب، نقاب، سراب، جواب و شتاب. کلمات «شراب، کتاب، شهاب، نقاب، سراب، جواب و شتاب» با یکدیگر و کلمات «ناب، باب و خواب» با یکدیگر سجع متوازی دارند و چنین قافیه‌هایی، نشان از توانایی شاعر در بکارگیری قافیه دارد. در تمام غزل، تنها دو کلمه «انتخاب و آفتاب» با یکدیگر سجع مطرّف دارند و کلمات دیگر، با یکدیگر سجع متوازی دارند و این مسأله، حکایت از غنای قافیۀ غزل منزوی دارد.

۵-۵-۲- زیاد بودن مصوت‌ها و صامت‌های س و ش

مصوت‌ها در بطن متون ادبی، رساتر از صامت‌ها هستند و حضور آنها باعث نرم و رسایی زبان می‌شود. اگر آواها را به دو گروه پرماع و کم‌ماع تقسیم کنیم، مصوت‌ها جزء کم‌ماع به حساب می‌آیند (مشتاق‌مهر و بافکر، ۱۳۹۵: ۱۹۶). تکرار کسرۀ اضافی در بیت زیر از حسین منزوی، سبب گوشنوازی و آهنگین شدن کلام شده است:

به دور افکنده‌ام، غم و شادی‌های کوچک را تو ای رمز بزرگ انتخاب من، سلام، ای عشق

علاوه بر مصوت کوتاه، مصوت‌های بلند نیز در غزل منزوی، بسامد خاصی دارند و آهنگ و موسیقی برخاسته از این نوع مصوت نسبت به مصوت کوتاه، بیشتر است.

گوارای من آه! ای شعر ناب من! سلام ای عشق به جام شوکران من، شراب من! سلام، ای عشق

گذشته از بحث مصوت‌ها، صامت‌ها نیز در غزل حسین منزوی تکرار شده‌اند و موسیقی کلام را افزایش داده‌اند. واج‌های «س» و «ش» در غزل فوق و در برخی ابیات و به طور کلی در شعر غنایی، بسامد بالایی دارند. «ش» از جمله واج‌های فرسایشی است. تکرار این واج در بیان اوج احساسات که می‌تواند احساس شور و شفع و شادی یا خشم و غضب و برآشفتن باشد، چشمگیر است. بسامد این واج در متون غنایی بیشتر از متون حماسی است (پارساپور، ۱۳۸۳: ۲۷۰-۲۷۲).

تو عقل سرخ را، با واژه‌هایم آشتی دادی سلام آه ای شعور شعر ناب من سلام ای عشق

به هنگام غروب خویش هم، با آخرین خطش رقم بر صفحه شب زد، شهاب من سلام ای عشق

در دو بیت فوق از منزوی، بسامد بالای واج «ش» حس شور و شفع را به ذهن متبادر می‌کند. علاوه بر این واج، واج «س» نیز از مختصات شعر غنایی است. واج «س»، واج سایشی و بی‌واک است؛ واج‌آرایی این واج به خصوص در ادبیات غنایی مشاهده می‌شود و نسبت به «ش» کمتر است. به خصوص کاربرد آن در آغاز هجاها مؤثر و چشمگیر است (پارساپور، ۱۳۸۳: ۲۷۳).

«چرا هستم؟» سوال بی‌جوابم بود از هستی تو دادی با سلام خود جواب من، سلام، ای عشق

۶-۵-۲- زیاد بودن واژه «من»

در شعر غنایی بر خلاف انواع دیگر، شاعر از عواطف و احساسات خویش سخن می‌گوید و این گونه شعر، «صیغه اول شخص و زمان حال دارد» (ولک و وارن، ۱۳۷۳: ۲۶۲). شعر غنایی کاملاً جنبه انفسی دارد و هنرمند همیشه از من سخن می‌گوید (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۶).

غزل حسین منزوی از این حیث نیز دارای ویژگی شعر غنایی است؛ در تمام شعر او، ۱۶ بار ضمیر منفصل، ۳ بار ضمیر متصل و ۵ بار شناسه اول شخص در ساختار افعال بکار رفته است که نشان از غنایی بودن شعر او دارد.



سلام، ای خطرزده، کابوس‌هایم را، طلوع تو

ز آفاق پر از آشوب خواب من، سلام، ای عشق

۷-۵-۲- وجود ردیف

ردیف یکی از عواملی است که در ایجاد و گسترش موسیقی کلام مؤثر است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۱۰۹). ردیف در لغت به معنای سواری است پشت سوار دیگر و در علم قافیه، لفظ یا الفاظی است مستقل از قافیه که پس از آن به یک معنی و به یک لفظ تکرار شود (ماهیار، ۱۳۹۰: ۲۷۳). هر اندازه تعداد کلماتی که ردیف را تشکیل می‌دهند، بیشتر باشند، غنای موسیقی متن بیشتر خواهد بود. در غزل حسین منزوی، «من! سلام ای عشق» ردیف است و این طیف از کلمات به عنوان ردیف، غنای موسیقی منزوی را چند برابر کرده است.

۸-۵-۲- التزام (اعنات)

التزام آن است که در هر مصراع یا بیت شعر، کلمه‌ای را تکرار کنند (شمیسا، ۱۳۶۸: ۸۴). در شعر منزوی، کلمه «سلام» در هر بیت تکرار شده و آرایه‌ی التزام را به وجود آورده است که این موضوع موسیقی برخاسته از کلام را چند برابر کرده است.

۹-۵-۲- وزن نرم و کشیده داشتن

وزن غزل منزوی «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» در بحر هزج مثنی‌س سالم است که یکی از نرم‌ترین وزن‌های فارسی و عربی است و عشق و جوانی و داستان‌های عاشقانه مناسب است.

۳- نتیجه‌گیری

ادب غنایی در اصل، اشعاری هستند که در آنها از عواطف و احساسات شخصی سخن می‌رود. حسین منزوی یکی از شاعران برجسته معاصر است که اشعار بسیاری را در نوع ادبی غنایی سروده است. بررسی یکی از اشعار حسین منزوی از لحاظ شاخص‌های محتوایی و صوری ادب غنایی، نتایج زیر را در پی داشت:

از لحاظ شاخص‌های محتوایی، شعر حسین منزوی، یک شعر به تمام معنا در ادبیات غنایی است؛ زیرا که شاخص‌هایی چون «حساسی و عاطفی بودن، عاشقانه و عارفانه بودن، وصفی بودن، پاسخگویی به احساسات و نیازها، داشتن فضای غم‌آلود و تمرکز بر روی شخصیت اصلی» را در خود دارد. شعر منزوی علاوه بر دارا بودن شاخص‌های محتوایی، شاخص‌های صوری ادبیات غنایی را نیز در خود دارد و شاخص‌هایی چون «لطافت و نرمی زبان، استعارات و تشبیهات نرم و لطیف، کلمات و عناصر متناسب با فضای غنایی، زیادی مصوت‌ها و صامت‌های «س و ش»، زیادی واژه «من»، وجود ردیف، التزام، وزن نرم و کشیده، شخصیت‌بخشی به عناصر انتزاعی و برخی ترکیبات خاص غنایی دیگر»، گواهی بر این مدعا هستند. در نتیجه، با قطعیت می‌توان گفت که شعر مورد بررسی از حسین منزوی، از

شاخص‌های محتوایی و صوری ادبیات غنایی برخوردار است و به حق، یکی از برترین اشعار در حیطه ادبیات غنایی می‌باشد.

منابع

- براهنی، رضا (۱۳۹۵). *قصه‌نویسی*، چاپ چهارم، تهران: سپهروردی.
- پارساپور، زهرا (۱۳۸۳). *مقایسه زبان حماسی و غنایی*، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- دشتی، علی (۱۳۸۳). *سایه*، چاپ اول، تهران: انتشارات کتابخانه سقراط.
- رمزجو، حسین (۱۳۹۰). *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*، چاپ سوم، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- رضایی، محمدعلی و منیژه زینلی (۱۳۹۳). *تحلیل بینامتنی اشعار نزار قبانی و حسین منزوی*، همایش ملی بینامتنیت، ج ۳، ۷۸۰-۷۶۵.
- رمضانی، احمد (۱۳۸۳). *نگاهی به آثار و شعر حسین منزوی*، کتاب ماه ادبیات، ش ۷۵، ۳۷-۲۳.
- زرقانی، مهدی و قربان صباغ، محمودرضا (۱۳۹۰). *نظریه ژانر*، تهران: هرمس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (1352). *انواع ادبی و شعر فارسی*، خرد و کوشش، تهران، سال ۱۱ و ۱۲، دوره ۴، صص ۱۱۹-۹۶.
- شمیسا، سیروس (۱۳۶۸). *نگاهی تازه به بدیع*، تهران: انتشارات فردوس.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۹). *انواع ادبی*، چاپ چهارم، تهران: میترا.
- طاهباز، سیروس (۱۳۶۸). *درباره شعر و شاعری از مجموعه آثار نیما*، تهران: دفترهای زمانه.
- عبادیان، محمود (۱۳۸۴). *تکوین غزل و نقش سعدی: مقدمه‌ای بر مبانی جامعه‌شناختی و زیباشناختی غزل فارسی و غزلیات سعدی*، چاپ اول، تهران: هوش و ابتکار.
- قربانی، جاوید (۱۳۸۶). *نگاهی به زندگی حسین منزوی غزل‌پرداز بزرگ معاصر*، مجله حافظ، ش ۴۷.



کزازی، جلال‌الدین (۱۳۹۱). بیان، تهران: مرکز.

ماهیار، عباس (۱۳۹۰). عروض فارسی، تهران: قطره.

مشتاق مهر، رحمان و سردار، بافکر (۱۳۹۵). شاخص‌های محتوایی و صوری ادبیات غنایی، پژوهشنامه ادب

غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال چهاردهم، دوره ۲۶، ۲۰۳-۱۸۳

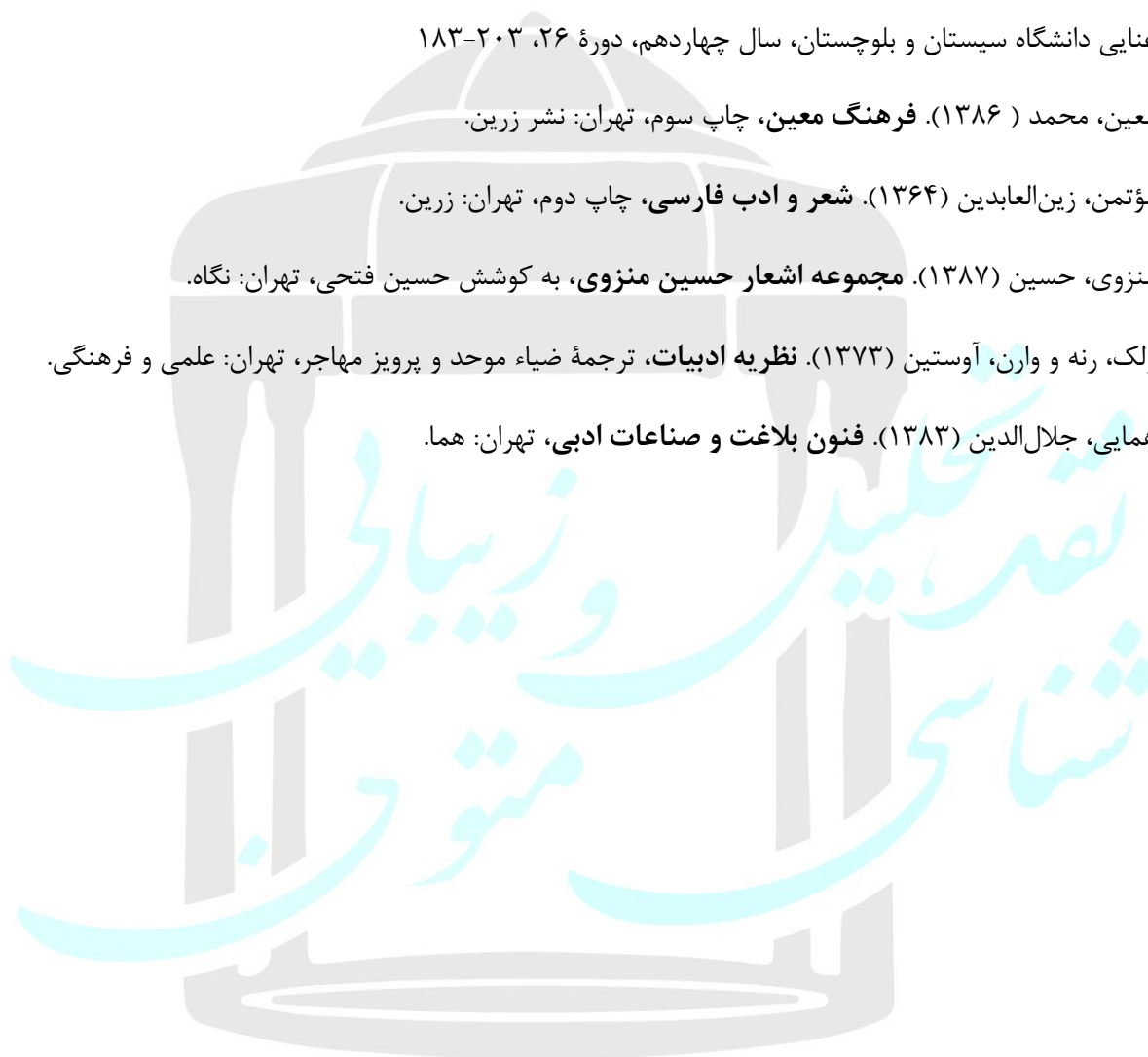
معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین، چاپ سوم، تهران: نشر زرین.

مؤتمن، زین‌العابدین (۱۳۶۴). شعر و ادب فارسی، چاپ دوم، تهران: زرین.

منزوی، حسین (۱۳۸۷). مجموعه اشعار حسین منزوی، به کوشش حسین فتحی، تهران: نگاه.

ولک، رنه و وارن، آوستین (۱۳۷۳). نظریه ادبیات، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران: علمی و فرهنگی.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۳). فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما.



Examining the content and form indicators of lyrical literature in a sonnet by Hossein Manzavi

Khodabakhsh Asadollahi¹, Hossein Ghasemizadeh², Sayeh Salahzadeh³

Abstract

Lyrical literature is the expression of the poet's personal feelings and emotions. Feelings and emotions are one of the most important features of lyrical literature, which separate this type from other literary types, and the softer and gentler the poet's poetic feelings and emotions are, the more powerful his words will be. The most obvious type of lyric poetry in Persian literature is sonnet, in which past and contemporary poets have experimented and left brilliant works. One of the famous poets of contemporary sonnet is Hossein Manzavi, whose sonnet have been welcomed by people of poetry and literature. Therefore, this research aims to study and analyze a poem by Hossein Manzavi based on the content and form indicators of lyrical literature by using the library study method and in an analytical-descriptive way. The results of the studies show that being emotional and romantic, being romantic and mystical, being descriptive, responding to feelings and needs, having a sad atmosphere and focusing on the main character are among the most important content characteristics of sonnet monzavi. Also, features such as the softness of the language, soft and gentle metaphors and similes, words and elements suitable for the lyrical space, many vowels and consonants "s/ sh", a lot of the word "I", the presence of row, commitment, soft and stretched weight, Giving personality to abstract elements and some other specific lyrical compositions are among the formal characteristics of isolated sonnets. As a result, the studied sonnet is one of the best sonnet of Hossein Manzavi, which has the indicators of lyrical literature in terms of content and form.

Keywords: lyrical literature, Hossein Manzavi, form, content, sonnet.

¹. Professor of the Department of Persian Language and Literature, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran. kh.asadollahi50@gmail.com

². Ph.D. student of Persian language and literature, pure orientation, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran. (Responsible author) Hosseinqasemizadeh1373@gmail.com

³. Master's degree in Persian language and literature, pure orientation, Islamic Azad University, Pars-Abad (Moghan) branch, ParsAbad, Iran. sslzd531@gmail.com